

## ساختار اجتماعی – فرهنگی قصه‌ها و افسانه‌های استان اردبیل

دکتر حسین نوین

استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

(دانشکده ادبیات و علوم انسانی)

### مقدمه

زندگی آمیخته به افسانه‌ها و قصه‌های گوناگونی است که بشر از آغاز تاریخ حیات خود به خلق آن پرداخته است؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت سرآغاز حیات بشری را اسطوره‌ها و افسانه‌های ابتدایی او تشکیل می‌دهد. گویی که بشر با قصه و افسانه خلق شده و در حوادث مختلف زندگی نیز به قصه و افسانه پناه برده است.

به عقیده فولکلورشناسان، قصه‌های بشری تاریخ حیات بدون زمان هستند و به صورت آفرینش هنری در میان هر گروه و اجتماعی پدید می‌آیند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و صورت‌های گوناگون و عناصر درونی قصه‌ها و قالب‌های ساختاری آنها، به مثابه کلاف درهم پیچیده‌ای از هنر شفاهی و فولکلوریک به‌شمار می‌آیند.



قصه‌ها زندگی نیستند، اما آرزوها و ایده‌های دست‌یافتنی زندگانی بشر محسوب می‌شوند که همیشه پا به پای حیات بشری دوام داشته است. از این‌رو حیات قصه‌ها را می‌توان با قدمت حیات طبیعی بشر یکسان دانست.

قصه و افسانه علاوه بر آنکه بخش عظیمی از میراث فرهنگی هر قوم و ملتی را دربرمی‌گیرد، در آن جنبه‌های ارزشمند سنتی و پس‌زمینه‌های فرهنگی و روان‌شناسی اقوام مختلف نیز به چشم می‌خورد؛ حوادث و سوانح اجتماعی و مشخصات خاص فرهنگی و سنتی هر قوم نیز انعکاس می‌یابد. لذا افسانه‌ها و حکایات ملل دروغ نیستند بلکه خصوصیات و نشانه‌های واقعی خیال‌انگیزی هستند که در محیط زندگی ما جریان دارند؛ به عبارت دیگر در افسانه‌ها واقعیت‌های تلخ و شیرین حیات بشری در جلوه‌های متلون خیال و به زبان هنری (رمزی و نمادین) به تصویر کشیده می‌شود. اهمیت کار تا بدان حد است که پیامبران الهی نیز گاهی حقایق و واقعیت‌های موجود در حیات بشری را در قالب قصه‌ها و افسانه‌های گوناگون بیان کرده‌اند. در قرآن مجید نیز از اساطیر و افسانه‌های گذشتگان به دفعات یاد شده و این امر خود مبین مقام و منزلت و تأثیر قصه و اسطوره و داستان بر جامعه و حیات انسانی است.

### منشأ روانی قصه و افسانه

باید گفت حیات افسانه‌ها زمانی آغاز می‌شود که بشر در مقابل حوادث و امیال و ایده‌های درونی خود و واقعیت‌های بیرونی تضاد و تقابل مشاهده می‌کند؛ به عبارت دیگر آدمی وقتی به خواسته‌هایش دست نمی‌یابد؛ تحقق آنها را در قالب افسانه و حکایت جستجو می‌کند. به قول دلشوی: حیات افسانه‌ها متعلق و موقوف به احساس حقارت و منزلت ماست. به میزانی که خود را از امتیازات و افتخاراتی که حق مسلم خویش می‌دانیم، محروم می‌بینیم دست توسل به دامان تخیل می‌زنیم.<sup>۱</sup>

به عبارت دیگر بشر با توسل به افسانه‌پردازی یا تخیل‌سازی در واقع بین خواسته‌های شیرین درونی و واقعیت‌های تلخ بیرونی نوعی تعادل و آرامش روحی و روانی در خود به‌وجود می‌آورد. اگر علم و عقل پیونددهنده انسان‌ها به امور و اشیاء خارجی باشد، رشته‌های تصاویر



هنری و ادبی یعنی تجلی زندگی عاطفی از جمله افسانه‌ها و قصه‌ها نیز وسیله همبستگی و همدلی مردم به‌شمار می‌آیند.

امروزه قصه‌ها و افسانه‌های ملل از دیدگاه علمی متعددی مورد بررسی و اهمیت قرار گرفته است: مردم‌شناسی، قوم‌شناسی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌کاوی و روان‌شناسی و ...

### زبان نمادین و رمزی افسانه‌ها و قصه‌ها

قصه‌ها و افسانه‌های مختلف اغلب زبان نمادین دارند. این زبان متعلق به دنیا و اموری است که قراردادی نیست؛ و به عبارتی دیگر در آنها دال و مدلول برابر نیستند و کلمات اغلب معانی مجازی و غیر واقعی یا تمثیلی دارند. در اصطلاح علمی، نماد نشانه‌ای عینی است که به وسیله ابزار و عناصر طبیعی (مأخوذ از طبیعت) امور و موضوعات غایب یا غیر قابل مشاهده را مجسم می‌نماید. به اعتقاد یونگ، نماد بهترین تصویر ممکن است برای تجسم چیزی که نسبتاً ناشناخته است و نمی‌توان آن را به شیوه‌ای روشن‌تر نشان داد؛ به عبارت دیگر قلمرو و نماد، سراسر، دنیای غیرمحسوس و ناخودآگاه، حتی ماوراء الطبیعه یعنی سرپرده غیب و اسرار است. پس نماد تصویری برای رساندن معانی سری و رمزی است.

در مورد اهمیت نماد و دنیا‌های فرآورده آن می‌توان گفت در نمادهای شاعرانه و تخیلی از جمله افسانه‌پردازی نوعی شناخت و شناسایی کیهان و جهان هستی و ماوراء آن در حریم انس و خلوت و دنیای تخیل و درونی انسان نهفته است. فرجام چنین دنیایی، آرامش دل و نفس و رسیدن به دنیا‌های خودآگاه درونی و جهان بیکران بیرونی است.

«ژیلبر دوران» در تحقیقات انسان‌شناختی خود به این نتیجه رسیده که تخیل به نوعی درمان دردها و کوششی برای بهروزی انسان در جهان است.

اما از آنجایی که قصه‌ها و افسانه‌هایی که زبان رمزی دارند نیز در واقع نوعی تمثیل و به اصطلاح همانندسازی به‌شمار می‌آیند و بعضی از محققان قصه‌ها را نیز نوعی تمثیل به‌شمار آورده‌اند، لازم است در اینجا به تعریف و بیان مثل و تمثیل داستان نیز بپردازیم. تبیین این امر کمک شایانی به فهم قصه‌های تمثیلی ترکی خواهد نمود.



### مثل و تمثیل

مثل در لغت به معنی مانند، همتا و مثل آمده است؛ مثل معمولاً مقایسه دو چیز یا دو امر براساس مشابهت میان آن دو است؛ مانند این مثل قرآن:

«انما مثل الحیوة الدنیا کماء انزلنا من السماء».

«همانا مثل زندگانی این جهان مانند آبی است که فرو فرستادیم از آسمان».

یکی دیگر از معانی مثل، تشبیه است. در این معنی می‌توان مثل را معادل تمثیل گرفت. تمثیل نیز در قدیم گاه به معنای استعاره به کار می‌رفت و در ادبیات بیگانه در دوره رنسانس نیز به همین معنی به کار رفته است.

یکی دیگر از اهداف عمده تمثیل بیان مسائل فلسفی کلامی و علمی در قالب داستانی در ضمن حکایتی شیرین است تا تلخی و ناخشنودی این گونه مسائل به جان و روح مخاطبان رسوخ کند.

نوعی دیگر از تمثیل وجود دارد که در آن غرض اصلی گوینده در ضمن حکایت و داستان‌ها به طور واضح بیان نشده است که آن را تمثیل رمزی می‌گویند و هدف آن عبارت است از ارائه یک موضوع با صورت موضوع دیگر. این اصطلاح به عنوان یک شیوه ادبی عبارت است از بیان یک عقیده یا یک موضوع نه از طریق بیان مستقیم بلکه در شکل و هیئت حکایتی ساختگی که با موضوع و فکر اصلی قابل مقایسه و تطبیق باشد.<sup>۲</sup>

بنابراین گاه تمثیل به انواع گوناگون داستان یا حکایت نیز گفته می‌شود. در زبان فارسی حکایت، قصه، تمثیل و مثل اغلب مترادف یکدیگر به کار می‌روند و انواع گوناگون آنها هر یک نظم مشخصی ندارد.

## قصه‌ها و افسانه‌ها در استان اردبیل

### مدخل

فرهنگ و مظاهر مختلف آن در هر منطقه خاص جغرافیایی و تاریخی، دارای جلوه‌ها و ویژگی‌های مختلف و گاهی منحصر به فردی است که مخصوص آن منطقه یا قوم و کشور است. اما آنچه قابل توجه است اشتراکات و وجوه همسانی و قرابت تاریخی و اجتماعی جلوه‌های مختلف فرهنگی اقوام و ملل مختلف دور و نزدیک می‌باشد.

منطقه آذربایجان و در نهایت استان اردبیل نیز با عنایت به ویژگی‌های خاص جغرافیایی و فرهنگی خود از جلوه‌های هنری- ادبی از جمله قصه‌ها و افسانه‌های ویژه‌ای برخوردار است. اما باید اذعان کرد که در رهگذر ارتباطات تاریخی و فرهنگی این منطقه با اقوام و سایر ملل و کشورهای مجاور و آشنایی با فرهنگ‌ها و ادبیات گوناگون سایر ملت‌ها از جمله عرب، یونانی، عثمانی و ... قصه‌ها و افسانه‌های این مناطق از جمله استان اردبیل جلوه و رنگ و بوی خاصی پیدا کرده است به طوری که می‌توان ویژگی‌ها و جلوه‌های مختلف اجتماعی- فرهنگی افسانه‌ها و قصه‌های این داستان‌ها را جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار داد. اما هدف ما بیشتر پرداختن به نمودهای فرهنگی- جغرافیایی جدید این نواحی است که تحت عنوان استان اردبیل قرار دارد. این امر جهت تحدید و تبیین چارچوب کلی قصه‌ها و افسانه‌ها است تا در راستای مطالعات علمی و عملی آن بتوان به اطلاعات روشن و دقیقی دست یافت. وگرنه همان‌گونه که اشاره شد، اشتراکات و مشابهات بن‌مایه‌های فرهنگی- اجتماعی اقوام و ملل مختلف جهان فراوان است تا بدان حد که می‌توان گفت حتی اغلب اسطوره‌ها، افسانه‌ها و قصه‌های ملل مختلف یکسانی یا قرابت و شباهت زیادی با یکدیگر دارند.

### سابقه پژوهشی

مطالعه آثار ادبی براساس نظریه‌های جامعه‌شناختی از جمله جامعه‌شناسی ادبی و استخراج و تبیین جلوه‌های اجتماعی- فرهنگی آثار هنری و ادبی از جمله قصه‌ها و افسانه‌های ملل از شیوه‌ها و



روش‌های علمی جدیدی است که طی چند دهه اخیر توجه و علاقه اندیشمندان و صاحب‌نظران را به خود معطوف داشته است.

امروزه با پیشرفت علوم جدید و توسعه نظریات زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فرهنگ‌شناسی، اسطوره‌شناسی و ارائه نظریات علمی جدید در ادبیات، محققان نیز در رهگذر بررسی و مذاقه در قصه‌ها و افسانه‌ها، باورها و سایر نمونها و جلوه‌های فرهنگی با امکانات اجتماعی - فرهنگی و جلوه‌ها و صورت‌های گوناگون اجتماعی و انسانی و تاریخی گذشتگان خود آشنایی و آگاهی پیدا می‌کنند.

مطالعه قصه‌ها و افسانه‌های ترکی رایج در استان اردبیل نیز با تکیه بر روش‌های جامعه‌شناسی ادبی علاوه بر آنکه ما را با جلوه‌ها و صورت‌های اجتماعی - فرهنگی آنها آشنا می‌سازد، زوایای پنهان تاریخی و اجتماعی مردم این نواحی را نیز روشن می‌کند. در این استان از این دیدگاه، تحقیق کامل و جامعی صورت نگرفته است بنابراین امید است این مطالعه و بررسی کوتاه، مورد توجه علاقه‌مندان قرار گیرد.

### روش پژوهش

جهت استخراج و معرفی عناصر و نشانه‌های اجتماعی و فرهنگی قصه‌ها و افسانه‌های رایج این استان ضروری است که به روش تاریخی و به صورت تدوین قصه‌ها پردازیم که طی زمان‌های تاریخی گذشته و در استان اردبیل یا نواحی مجاور آن پیدا شده و سینه به سینه به صورت کتابت به دست ما رسیده است. در این روش علاوه بر مطالعه داده‌هایی چون کتاب و نشریات، نشانه‌ها و قصه‌های مورد نظر تدوین و سپس مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند.

قابل توجه است که از میان هزاران قصه و افسانه و حکایت رایج، انتخاب حکایات یا افسانه‌های خاص مشکل بود زیرا که هر یک از آنها قطعاً از دیدگاه علمی و شیوه‌های جامعه‌شناسی ادبی دارای پیام و مبانی فرهنگی، ادبی و محتوای اخلاق تربیتی یا حکمت‌های گوناگون بود و انتخاب تعداد معدودی به عنوان الگو و نمونه‌های تحقیق، کار بسیار مشکلی بود به خصوص آنکه برای انتخاب نیز باید این دسته و حجم وسیعی از افسانه و حکایات را که اغلب



طولانی نیز بودند، مطالعه و سپس نمونه‌های مورد علاقه و ضروری را انتخاب می‌کردیم. چاره‌ای جز این نبود و این کار طاقت‌فرسا بعد از ماه‌ها تلاش مستمر انجام گرفت و در پایان به صد حکایت مختلف بسنده شد و تحلیل فعلی نیز براساس مطالعه آنها صورت گرفته است.

### مآخذ و منابع قصه‌های استان اردبیل

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، قصه‌ها و افسانه‌های ملل و اقوام مختلف از زمان‌های قدیم حیات بشری با او هم‌زاد بودند و در واقع قصه، تظاهرات و تجلیات آمال و اندیشه‌های درونی بشر در مواجهه با سختی‌ها، مشکلات و در مسیر رسیدن به جامعه ایده‌آل و آرمانی او بود.

بر این اساس ریشه و منبع اصلی قصه‌های ترکی این استان، عموم مردم و طبقات و اقشار گوناگون جامعه بوده است که به‌صورت شفاهی یا مکتوب به ما به یادگار رسیده است. علاوه بر آن برخی از قصه‌ها نیز از منابع اسلامی وارد زبان ترکی این استان شده‌اند مانند قصه هارون‌الرشید و بهلول یا داستان پیامبر (ص) و ...

بعضی قصه‌ها نیز از طریق زبان فارسی و منابع قصه‌های آن وارد زبان ترکی شده‌اند؛ مانند ماجرای سندباد بحری.

داستان‌های دیگری نیز هستند که از آثار شاعرانی چون نظامی اقتباس شده‌اند؛ مانند داستان‌های مختلفی درباره اسکندر، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین. اغلب قصه‌ها و داستان‌ها و حتی مضامین فولکلور نظامی که در خمسه و به‌خصوص آثار داستانی‌اش نمایان است، امروزه نیز در زبان ترکی این نواحی رواج دارد.

از مثنوی مولوی نیز داستان‌های متعددی در زبان ترکی این استان رواج یافته است، مانند داستان شغال رنگین، قصه‌های شاهنامه و سایر ادبیات منظوم و مثنوی، نیز جایگاه خاص خود را دارند. باید اضافه نمود که به علت مجاورت جمهوری آذربایجان با نواحی این استان و تأثیرات فرهنگی آن به‌خصوص از طریق صدا و سیمای مرکز آذربایجان، بعضی قصه‌ها و افسانه‌های آن نواحی نیز وارد این منطقه شده است؛ از جمله قصه آقا موشه و خانم سوسکه، این داستان از تلویزیون باکو به‌صورت فیلم کارتونی نیز پخش شده است.



داستان‌های متعددی نیز در این استان می‌توان یافت که نه تنها در هر منطقه ترک‌نشین آذربایجان و نواحی آن رواج دارد، بلکه می‌توان آنها را در بین سایر ملت‌ها نیز مشاهده کرد؛ لذا ریشه این‌گونه قصه‌ها و داستان‌ها را نمی‌توان تشخیص داد و معلوم نیست از کدام ملت و زبان اقتباس شده‌اند. در اینجا مسئله یکسان‌اندیشی ملت‌ها را هم نباید فراموش کرد. کما اینکه بسیاری از امثال و حکم قصه‌ها و افسانه‌ها و حتی اسطوره‌های باستانی ملل مختلف از یکسانی و شباهت قابل توجهی برخوردار هستند.

### طبقات مختلف سازندگان قصه‌ها

آفرینندگان اصلی و اولیه هنرهای زیبا از جمله قصه‌ها و افسانه‌های ترکی این استان اغلب کشاورزان، دهقانان، چوپانان، آهنگران و به‌طور کلی صنعتگران بوده‌اند زیرا آنها در زندگی اولیه و ابتدایی خود با ابزار و صنایع محیط زندگی خود سر و کار داشته و صحبت از نیاکان، قهرمانان عرصه‌های کار و کشاورزی را در ارتباط با ابزار و صنایع چرخه زندگی خود بیان کرده‌اند. البته سایر طبقات و گروه‌ها نیز در آفرینش قصه و افسانه‌ها نقش داشته‌اند و همگان از جمله اهل ذوق و ادب، اهل علم و قلم و ارباب دانش و فضیلت و صاحب‌نظران و مسئولان امور کشوری نیز در بیان آرزوها و آمال خود، یا قبیله و طایفه یا طبقات متعلق به آن به ابداع و خلق و بیان افسانه‌ها و قصه‌ها پرداخته‌اند.

### انواع قصه‌ها و افسانه‌ها

به سادگی نمی‌توان انواع قصه‌ها و افسانه‌های ترکی رایج در این استان را معرفی و بیان کرد زیرا وجود تعداد بی‌شماری از آنها و موضوعات متعدد و کثیری، تقسیم‌بندی و معرفی انواع آنها را به‌طور کامل مشکل و گاهی ناممکن می‌نماید. اما جهت معرفی نمای کلی قصه‌ها و تبیین چارچوب موضوعی‌شان، انواع آنها را به شرح کلی زیر تقسیم‌بندی می‌کنیم، هر چند هر یک از انواع معرفی شده می‌تواند در داخل نوع یا تقسیم‌بندی دیگر نیز قرار بگیرد:





- الف- درباره شخصیت‌های تاریخی و قدیمی مانند: اسکندر و خضر، پیامبر (ص)، علی (ع)، انوشیروان، شاه عباس، قاجاق نبی، اصلی و کرم و ...؛
- ب- درباره شخصیت‌های افسانه‌ای یا نامعلوم: پیرمرد، شکارچی، بازارگان، چوپان، کچل و ...؛
- ج- درباره حیوانات حقیقی مانند: شیر، روباه، گرگ، مار، گاو و ...؛
- د- درباره حیوانات خیالی و افسانه‌ای مانند: دیو، اژدها و حیوانات بالدار و ...؛
- د- درباره پرندگان حقیقی مانند: کلاغ، کبوتر، گنجشک، مرغابی و ...؛
- ه- درباره حیوانات خیالی مانند: سیمرغ؛
- و- داستان‌هایی که درباره جمادات ساخته شده‌اند: آب، ابر، خورشید، ستاره، باد و ...؛
- ز- داستان‌هایی درباره درختان و گیاهان مانند: علف، چمن، بولاغ اوتی، درخت سیب، درخت انگور ... .

### سبک بیان قصه‌ها

قصه‌ها به زبانی کاملاً ساده و عامیانه بیان می‌شوند چون هدف بیشتر آنها بیان اندیشه‌های اخلاقی و تربیتی است لذا نحوه پردازش و بیان مطالب بسیار ساده است. هر چند که گاهی در ارائه ساختار و انسجام کلی مطالب، از وحدت بیانی و ساختاری لازم برخوردار نیستند یعنی عبارات داستان‌ها منسجم، منطقی و حساب شده نیست و گریزها و پردازش‌های موضوعی متفاوت و گاهی بی‌ربط بسیاری نیز در میان قصه‌های قدیمی برخلاف قصه‌های رایج امروزی می‌توان یافت. به‌رحال گویندگان آنها در عین حال که هدف و منظور معینی را در ذهن خود می‌پروراندند و آنها را به‌صورت داستان بیان می‌کردند، سخنان‌شان در چارچوبی واحد یعنی از پیش تعیین شده قرار ندارد و چه بسا گاهی به شاخ و برگ‌ها و موضوعات متعدد و بی‌ربط زیادی نیز پرداخته و از موضوع اصلی نیز خارج می‌شدند. تمام قصه‌ها و افسانه‌های قدیمی به همین صورت است. به‌خصوص اینکه بعضی از آنها مثل قصه‌های هزار و یک شب فارسی، که بعضی وارد زبان ترکی استان اردبیل نیز شده (مانند قصه پادشاه ملک جمشید و صمد و ...) صرفاً جهت پر کردن اوقات



بیکاری و فراغت شاهان یا جوانان یا خودشان بیان می‌شده لذا انسجام و پرهیز از پراکنده‌گویی در این‌گونه حکایات کمتر به چشم می‌خورد.

### سرآغاز و انجام قصه‌ها

قصه‌ها اغلب با عباراتی مانند: یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود، آغاز می‌شود. گاهی نیز یکی دو بیتی به‌عنوان مقدمه‌ای کوتاه در اول قصه‌ها آورده می‌شود مانند:

بلی ناغیل بنیاسینی قویان یاواش یاواش

بلی آهسته آهسته قصه را شروع بکنیم

ئولوم قاباغیندا قولنان قاراواش

ما در برابر مرگ بنده و برده هستیم

دولتلی پلووا شیللق وو رور

ثروتمند به پلو لگد می‌اندازد

کاسیب تامپاز پیر کاسه بوزباش<sup>۳</sup>

اما فقیر یک کاسه بوزباش هم پیدا نمی‌کند.

بیشتر قصه‌ها بدون مقدمه شروع می‌شود. پایان قصه‌ها اغلب به این‌گونه عبارات ختم

می‌گردد:

از آسمان سه تا سیب افتاد. یکی از آن تو، یکی از آن من و یکی از آن گوینده قصه.

### ویژگی‌های عمده قصه‌ها و افسانه‌ها

مهم‌ترین ویژگی‌هایی که می‌توان برای قصه‌ها و افسانه‌های ترکی این استان قائل شد عبارتند از:  
 ۱- حوادث مشکل و گره‌های سخت به‌وسیله اعمال خارق‌العاده و توسط بعضی شخصیت‌های داستانی مرتفع می‌شود؛ علاوه بر شخصیت‌های انسانی گاهی حیوانات حقیقی و افسانه‌ای نیز در صدد یاری آدمی و حل مشکلات او برمی‌آیند.



۲- شانس و اقبال و یا انتخابات تصادفی از جمله ویژگی‌های بارز قصه‌ها است؛ مثلاً گاهی پادشاهی برای انتخاب وزیر خود به اتفاق متوسل شده و اولین رهگذر داخل دروازه شهر را به وزیری انتخاب می‌نماید.

۳- باورهای اسطوره‌ای: اعتقادات و باورهای افسانه‌ای و اسطوره‌ای از بن‌مایه‌های فکری و محتوایی قصه‌های ترکی به‌شمار می‌آیند. نشانه‌ها و علائم زیادی از این باورها در اغلب قصه‌های ترکی به چشم می‌خورد. در داستان راز دره‌ها، جوانی از شاهزاده خانمی درخواست ازدواج می‌کند. شرط شاهزاده فهم راز دره مارها بود. در دره نقاشی بود که با مار سفیدی به شکل دختری زیبا ازدواج می‌کند. پسری به دنیا می‌آید که زن او را به دهان گرگ می‌اندازد. سال بعد نیز زن پسر دوم خود را داخل لوله بخاری انداخته و او را می‌کشد. سپس در مقابل اعتراض شوهرش می‌گوید گرگ همان دایی من بود و آتش بخاری عمومی من و لذا هر دو فرزندان ما سالم هستند. اینک آدمی با آتش (نور) طبیعت قرابت و فامیلی پیدا می‌کند یک باور اسطوره‌ای اهورا مزدایی است که در این‌گونه قصه‌ها متجلی شده است. قرابت با حیوانات نیز از اندیشه‌های توتم‌پرستی باستانی به‌شمار می‌آید.

۴- بعضی آرزوهای دور و دراز و ناممکن آدمی به‌وسیله سحر و جادو تحقق می‌یابد. در قصه‌های سحرآمیز، قهرمانان با جادو بر دشمنان غلبه پیدا می‌کنند. گاهگاهی در این‌گونه قصه‌ها، مکان‌های سحرآمیز و ظلمت‌زده و حتی دنیای دیگر نیز مجسم می‌شود.

در قصه‌های سحرآمیز عوامل و نیروهای منفی متعددی نقش دارند. از جمله دیو. دیوها از نظر ظاهر، زمخت و زشت چهره‌اند. آنها گاهی یک یا هفت و گاهی چهل سر دارند. دختران و پسران زیبا را می‌ربایند و اسیر می‌کنند، دشمن انسان هستند و در ظلمات و تاریکی به سر می‌برند، به‌رغم همه اینها آدمی می‌تواند دیو را اسیر بکند.

نمونه تیبیک قصه‌های سحرآمیز، قصه ملک محمد است. در این قصه نشانه‌هایی از آیین زرتشتی (ثنویت) وجود دارد، از جمله نبرد زندگی ابدی و عدالت و نور با اهریمن و پیروان او، ظلمت و دیوان، بخل و حسد و اندیشه‌های زشت که سرانجام با پیروزی عدالت و نیکی و نور (هرمزد) پایان می‌یابد. در گروهی از قصه‌های سحرآمیز ترکی درباره ستارگان و اجرام سماوی



دیگر نیز سخن‌هایی به چشم می‌خورد. در این زمینه قصه مهر و مشتری و شمس و قمر قابل توجه است.

۵- حیوانات، نباتات و جمادات نیز نقش مهمی در شکل‌گیری قصه‌ها و ایجاد معانی و خلاقیت‌های هنری داستان‌ها دارند.

حیات این نوع قصه‌ها به قدیم‌ترین زمان‌ها برمی‌گردد و در اینجا رابطه انسان‌های اولیه با حیوانات و مناسباتشان با آنها حفظ می‌شود.

در قصه‌ها حیوانات علاوه بر آنکه مانند آدمی رفتار می‌کنند، گاهی دارای اعجاز و کارهای خارق‌العاده نیز هستند. اعتقاد به توت‌م از همین جا سرچشمه گرفته است. در مکتب توت‌میسیم گویا جد اعلاي انسان و حیوانات یکی بوده است و لذا در قصه‌ها حیوانات گاهی به جلد آدمی درمی‌آیند و گاهی با آنها ازدواج می‌کند؛ در قصه فاطمه زیبا یا گاو فاطمه نشان‌های توت‌میسیم را در چهره گاو مشاهده می‌کنیم. در این قصه، گاو محرم راز فاطمه و گره‌گشای مشکلات اوست. بعد از کشته شدن گاو نیز فاطمه همچنان در فراق او می‌سوزد.

گاو نیز که در قصه‌های زیادی به چشم می‌خورد، نشانه توت‌م‌پرستی به‌شمار می‌آید. در بعضی از قصه‌های ترکی مشاهده می‌شود که مار شکل خود را عوض می‌کند و به‌صورت دختری زیبا درمی‌آید و گاهی نیز اسراری را به آدمی می‌آموزد. قصه اوچی پیریم یا پیریم شکارچی نوع تپیک این‌گونه قصه‌ها است.

قصه‌های توت‌می معمولاً به دو گروه خیر و شر تقسیم می‌شوند: جانورانی مانند خروس و سگ مقدس‌اند و برعکس دسته‌ای مانند گرگ نامقدس و ملعون به‌شمار می‌آیند.

۶- موجودات خیالی مانند پری، آل و جن نیز در قصه‌ها و افسانه‌ها نقش عمده‌ای دارند و قصه‌های زیادی درباره اینها ساخته شده است. جن‌ها اغلب خود را به‌صورت حیواناتی مانند گربه سیاه درمی‌آورند. جن‌ها در قصه‌ها موجوداتی بی‌دردسر و گاهی نیز فریبکار معرفی شده‌اند. در یکی از قصه‌ها جنی به شکل گربه آمده، بدین ترتیب که گربه‌ای در منزل خانواده‌ای زندگی می‌کرد، صاحبخانه می‌بیند گربه شب‌ها به طویله رفته و تا صبح همان‌جا می‌خوابد و گاهی نیز تا صبح با جن‌های دیگر به رقص و پایکوبی می‌پردازد.

علاوه بر اینها موجودات ساختگی و خیالی دیگری نیز می‌توان در قصه‌ها مشاهده کرد. پری هم موجود زیبایی است که در دریا زندگی می‌کند.

در بعضی قصه‌ها آرزوی زندگی پری در خشکی مطرح شده است که حتی گاهی با آدمی ازدواج نموده و به زندگی خود در خشکی ادامه داده است. اژدها که از موجودات افسانه‌ای قصه‌ها به‌شمار می‌آید از عوامل منفی قصه‌ها و از دشمنان اصلی آدمی به‌شمار می‌آید. سیمرغ نیز نماد دوستی و نجات است. در داستان پهلوان یک وجبی با ریش دو وجبی هفت برادر با اژدها درگیر می‌شوند. اژدها راه آب را بر دیگران می‌بندد و دست آخر توسط یکی از برادران کشته می‌شود و این برادر نیز توسط سیمرغ از چاه نجات پیدا می‌کند.

۷- پیشگویی قصه‌ها و نقش نیروهای غیبی در تحقق خواسته‌ها و آرزوهای دور و دراز آدمی پیشگویی از چهره‌های ممتاز قصه‌ها به‌شمار می‌آید. در اغلب قصه‌ها پیش‌بینی حوادث توسط پیران یا بعضی حیوانات به چشم می‌خورد. کمک‌های غیبی در تحقق آرزوهای قلبی آدمی کاملاً نمایان و آشکار است.

در قصه پسر مؤمن می‌خوانیم که پسر مؤمن خواب دختری را می‌بیند. مردی عمامه به سر به او وعده ازدواج با دختر را می‌دهد. پسر که بعدها یک افسر نیروی انتظامی می‌شود، آن دختر را در خانه سرهنگ خود می‌یابد و با او ازدواج می‌کند.

۸- تأثیر اسلام و فرهنگ دینی: اسلام و ابعاد فرهنگی آن تأثیر شگرفی در شکل‌گیری قصه‌های ترکی این استان دارد. داستان‌های متعددی درباره پیامبران و حضرت رسول (ص) و ائمه معصومین (ع) و دیگر شخصیت‌های دینی ساخته شده است. موضوعات اخلاقی، دینی و اعتقادی بن‌مایه‌های فکری و محتوایی این دسته از قصه‌ها را تشکیل می‌دهند.

۹- تأثیر فرهنگ جاهلی عرب: به‌رغم تأثیرات عمیق و همه‌جانبه‌ای که اسلام و مبانی فرهنگی آن در شکل‌گیری قصه‌های ترکی داشته‌اند، بعضی مضامین و اندیشه‌های فرهنگ جاهلی عرب نیز در قصه‌های ترکی به چشم می‌خورد: از جمله در قصه پادشاه و دخترش آمده که: پادشاهی هفت دختر و یک پسر داشت. به پسرش دستور می‌دهد که اگر مادرت دختر به دنیا آورد او را بکش.



پسر نیز براساس عاطفه انسانی و برادری‌اش او را به چوپان می‌سپارد. دختر، بزرگ و زیبا و دوست داشتنی‌تر می‌شود. سپس در کنار پدرش (پادشاه) به زندگی خود ادامه می‌دهد.

۱۰- در برخی قصه‌ها سخنان رمزی بین شخصیت‌های اصلی داستان رد و بدل می‌شود و یابنده معنی آن سخنان رمزی، مظهر حکمت و دانایی در داستان محسوب می‌شود. در قصه پادشاه و دهقان دانا، سه عبارت رمزی در گفتگوی بین آن دو وجود دارد. وزیرای شاه معنی آنها را درک نمی‌کنند و به ناچار به دهقان روی می‌آورند و دهقان با اخذ صد سکه طلا از هر کدام، جواب سخنان رمزی شاه را به آنها یاد می‌دهد.

باید گفت که در این‌گونه داستان‌ها دانایی و فراست دهقان زحمتکش نشان داده می‌شود. در روزگاری که زحمتکشان جامعه به‌رغم تلاش و تحمل مشقات فراوان مورد تحقیر و تضعیف حقوق انسانی و اجتماعی قرار می‌گرفتند، گویندگان این‌گونه داستان‌ها به دفاع از دسترنج و تلاش و در نهایت به حمایت از حقوق انسانی و اجتماعی زحمتکشان جامعه می‌پرداختند.

۱۱- آرزوهای محال: برخی از حوادث در قصه‌ها ناممکن و محال هستند و هدف گویندگان آنها صرفاً بیان ایده‌ها و آرزوهای دور و درازی است که همیشه به دنبال تحقق این‌گونه خواسته‌های ذهنی بوده و درصدد کسب قدرت و امکان عملی آن تلاش زیادی به‌عمل آورده است.

در داستان سه زن باهوش پادشاه، یکی از زنان در جهت تفوق و برتری نسبت به دو زن دیگر پسری به دنیا می‌آورد که نصفش از طلا و نصف دیگرش از نقره است.

۱۲- بعضی از قصه‌ها برای بیان حکمت یک مثل است. در میان قصه‌های ترکی تعدادی از قصه‌ها یافت می‌شود که هدف عمده آنها بیان مفهوم و معنای کلی یک مثل رایج ترکی است؛ به‌عنوان مثال در داستان دختر سلطان و گدای دیوانه می‌خوانیم:

پادشاهی دخترش را بر حسب اتفاق به اولین عابر از دروازه شهر یعنی گدای دیوانه می‌دهد. او معتقد بود: «گویول سون گویچک آلا». یعنی هر آنچه دل پسندد زیباست. بر این اساس در ادامه داستان با خلق صحنه‌ها و بیان صحبت‌هایی این حقیقت ثابت می‌شود که هرچه دل پسندد برای آدمی زیبا و دلنشین می‌شود، کما اینکه دیوانه نیز برای دختر پادشاه زیبا و دلنشین بود.

### شخصیت‌های اصلی قصه‌ها

قصه‌ها و افسانه‌های ترکی این داستان، مانند سایر قصه‌ها و افسانه‌های ایرانی با تعداد ثابت و محدودی از شخصیت‌های داستانی دارای نقش‌های نوعی (تیپیک) خاصی می‌باشد. این مشخصه از اسباب و لوازم ثابت و بدون تغییر قصه‌های ترکی به‌شمار می‌آیند. مهم‌ترین نقش‌های نوعی (تیپیک) را طبقات و گروه‌های زیر ایفا می‌کنند:

۱- شاه، شاهزاده، وزیر و امیر و خان که اغلب در بیان مضامین سیاسی اجتماعی، مانند قدرت، حاکمیت، عدالت، جور و ستم و تبعیض طبقاتی از نقش آنها استفاده می‌شود.

۲- قهرمان یا شخصیت داستانی دیگر کچل، چوپان و دهقان است که قصه‌پردازان به آنها ویژگی‌ها و خصلت‌های طبقاتی و گروهی خاص خود را بخشیده و از رفتار و گفتار آنها در بیان اندیشه‌های درونی خود سود جسته‌اند. این دسته از تیپ‌ها و شخصیت‌ها بیشترین حجم شخصیتی داستان‌ها را تشکیل می‌دهند. در این‌گونه قصه‌ها مظلومیت، محرومیت و فقر طبقات پایین، صداقت، صمیمیت و سادگی اخلاقی و اجتماعی آنان بن‌مایه اصلی چارچوب ساختاری قصه‌ها به‌شمار می‌آید.

در این‌گونه قصه‌ها انجام کارهای خارق‌العاده سحرآمیز و غیرواقعی کمتر به چشم می‌خورد. زیرا انجام کارهای شگفت‌انگیز و محیرالعقول از حیطة و قدرت افراد عامی و ساده جامعه خارج است. اگر گاهی نیز به ندرت به این‌گونه موارد برمی‌خوریم، زمانی است که گوینده داستان با طرح صداقت و همت و تلاش همه جانبه افراد مظلوم و ستمکش جامعه خواسته نوعی قداست و قدرت معنوی بالایی نیز به این‌گونه شخصیت‌ها ببخشد.

۳- پیرمرد باتجربه و سالخورده از شخصیت و تیپ‌های مهم و قابل توجه داستان‌های ترکی است. پیرمرد اغلب مظهر و نماد تجربه، تلاش، دانایی، گره‌گشایی و آگاهی از راز و رمز زندگی و معماهای هستی است. این‌گونه قصه‌ها معمولاً برخاسته از جامعه روستایی و ایلاتی است زیرا که اغلب صحبت‌ها و رهنمودهای پیران مربوط به زندگی ساده کشاورزی، دامداری و قبیله‌ای روستایی است.

۴- زن از شخصیت‌هایی است که در قصه‌ها با دو تیپ و گونه شخصیتی متفاوت ظاهر می‌شود:



الف) مظهر مکر و حيله؛

ب) نشانه مهر و وفاداری و شریک مرد در مصائب و معضلات زندگی.

۵- حیوانات اعم از حقیقی یا خیالی و افسانه‌ای بن‌مایه بزرگ و وسیعی از قصه‌های متداول ترکی را تشکیل می‌دهند. در این قصه‌ها کلاغ نماد خبرچینی، سگ مظهر زرنگی، روباه نماد زرنگی و حيله و موش نماد حرص و ... است.

۶- شخصیت‌های بی‌نام و نشانی مانند کچل، مرد شکارچی، عاقل و جاهل، دیوانه و ... نیز از تیپ‌هایی هستند که در بین داستان‌های افسانه‌ای ترکی جایگاه رفیع و وسیعی را به خود اختصاص داده‌اند.

۷- نباتات و جمادات نیز از شخصیت‌های داستانی به‌شمار می‌آیند و درباره هر کدام قصه‌ها و افسانه‌های زیادی ساخته و پرداخته شده‌اند.

اغلب این‌گونه قصه‌ها یادگار باورهای اسطوره‌ای باستان مانند توت‌پرستی، آنیمسم و روزگار قرابت عینی انسان با روح کلی طبیعت زندگی است.

### موضوعات قصه‌ها

در یک چشم‌انداز کلی می‌توان گفت کلیه افکار، اندیشه‌ها، آمال، آرزوها، مسائل و مشکلات انسان‌ها، عقاید و آراء، تاریخ، فرهنگ، روابط و مناسبات، ابزار و آلات تولید، زندگی، سلیقه‌ها، حاکمیت‌های انسانی و ... از جمله موضوعاتی است که در قالب قصه‌ها و افسانه‌های ترکی به چشم می‌خورد. لذا تقسیم و طبقه‌بندی آنها مشکل است، اما از لحاظ کلیت موضوعی و جهت محدود نمودن دامنه‌های نامحدود معانی و مفاهیم قصه‌ها به‌طور کلی قصه‌های ترکی این استان را می‌توان به چند طبقه زیر تقسیم‌بندی کرد:

#### ۱- قصه‌ها و افسانه‌های تاریخی

موضوع بعضی از این قصه‌ها را شخصیت‌ها یا حوادث تاریخی تشکیل می‌دهند؛ به عبارت دیگر این نوع قصه‌ها از موضوعات تاریخی یا شخصیت‌های مهم تاریخ و حوادث سیاسی و قهرمانان نام‌آور و بزرگ ملی اقتباس شده‌اند.



شخصیت‌هایی مانند اسکندر، انوشیروان، شاه عباس، رستم، کوراوغلی و یا نام مجهولی که عنوان پادشاه یا صدارت و وزارت دارد. در قصه‌های طالع و واله و محکمه کچل، حق‌کشی‌ها و رشوه‌خواری‌های موجود در دربار شاه عباس به صراحت نشان داده شده است. مردم با خلق شخصیت کچل و ایجاد صحنه‌های طنزآلود، حقانیت خود و جور و ستم حاکم را برملا می‌کنند مثلاً به کچل در محکمه می‌گوید: نگاه کن طرز تشکیل محکمه چنین است.

در تعدادی از قصه‌ها نیز از عدالت و مردم‌داری بعضی از پادشاهان و نیز چگونگی تشکیل دادگاه‌های مظالم و رسیدگی به حقوق مردم ستم‌دیده و زحمتکش سخن رفته است.

## ۲- قصه‌های و داستان‌های واقعی

در میان قصه‌های ترکی به تعدادی قصه برمی‌خوریم که حوادث و اتفاقات واقعی زندگی را ترسیم می‌کنند. در بعضی مناطق روستایی یا بیلاقی یا شهری گاهی معجزه و اتفاق شگفت و قابل توجهی روی می‌دهد و مردم آن را به صورت حکایت، سخنان شیرین و واقعی دهان به دهان نقل کرده و در واقع به صورت افسانه یا قصه واقعی درمی‌آورند، به عنوان مثال:

در روستای پارقشلاق پارس‌آباد پیرزنی زندگی می‌کرد. این پیرزن با داشتن پنج فرزند دختر در حسرت داشتن یک فرزند پسر همیشه بعد از نماز به جای دعا کفر می‌گفت. تا اینکه مارهای زیادی اطراف خانه او را احاطه کردند و پیرزن به ناچار به منزل دخترانش پناه آورد. مرحوم سید محسن موسوی، پیرمرد مؤمن و اهل دعا را به خانه پیرزن می‌آورند و او با خواندن ورد و دعا مارها را بیرون می‌کند و به پیرزن می‌گوید که این مارها از جانب خدا آمده‌اند از کفرگویی خود باید توبه کنی. زن توبه می‌کند و وقتی مارها دور رفتند پیرزن از ترس سگته کرده می‌میرد.

این قبیل داستان‌های واقعی فراوان است. در میان اهالی گرمی، خلخال، اردبیل و نواحی گوناگون از این نوع داستان‌های واقعی رواج دارند.

## ۳- قصه‌های طنزآلود

لطیفه‌ها اغلب دارای جنبه‌های هزل، انتقاد و یا خنده‌آوری هستند و هدف آنها بیان پدیده‌های ناهنجار زندگی اجتماعی یا ایجاد انبساط خاطر و نشان تبسم بر لب‌های مردم رنج‌دیده و گاهی خسته از کار و فعالیت‌های روزانه است.



البته بین قصه‌ها و لطیفه‌های قصه‌گونه، شباهت‌ها و افتراقاتی نیز می‌توان قائل شد اما منظور ما در اینجا صرفاً شباهت‌های ساختاری لطیفه‌ها و قصه‌هاست که از لحاظ کاربرد تخیلی و شیوه بیان، تقریباً نزدیک به هم و گاهی یکسان می‌باشند.

در لطیفه‌ها و داستان‌های لطیفه‌گونه اغلب روح ستیزه‌گر و مبارز و مقاوم این نواحی در قالب سخنان و یا وقایع طنزآلود و خنده‌آور نهفته است معمولاً داستان‌های شیرینی از زبان ملانصرالدین و گاهی بهلول بیان شده است. البته لطیفه‌ها و قصه‌های شیرین ملانصرالدین در اغلب کشورهای اطراف دریای مدیترانه، ایتالیا، بلغارستان، قفقاز، افغانستان، ارمنستان، هندوستان و حتی بین مردم آمریکا نیز رواج دارد.

لطیفه‌های ملانصرالدین اغلب حاوی حاضر جوابی‌ها، ذکاوت و هوش پنهان افرادی است که در عین سادگی و عامیانه بودن حرکات و گفتار آنها نشانه بارز دقت نظر، فراست و شهامت برخی از مردم نیز به‌شمار می‌آید.

قصه‌های ملانصرالدین، آشکارکننده حیل‌ها و ترفندها و جور و ستم‌های حکام و زورگویان روزگاران گذشته است که در قالب عبارات مضحک و خنده‌آوری بیان شده است.

قصه‌های ملانصرالدین، بیسواد یا ریاکاری، طمع‌کاری و کج‌اندیشی بعضی ملایان را نیز آشکار و برملا می‌نماید.

قاضیان رشوه‌خوار، مأموران باج‌گیر و حاکمان زورگو همیشه مورد طنز این گونه قصه‌ها قرار دارند.

#### ۴- قصه‌های خانوادگی و زندگی

پرداختن به مسائل زندگی و موضوعات خانوادگی از بارزترین نشانه‌ها و ویژگی‌های قصه‌ها و افسانه‌های این استان به‌شمار می‌آید زیرا اهم موضوع و دغدغه اصلی هر فردی، خانواده است. در این نوع قصه‌ها بدون پرداختن به جنبه‌های جادوگری، تخیلات دور و دراز و آمال غیر ممکن، اغلب از مسائل روزمره و نیازها و آمال و دردهای همگانی و اولیه زندگی بحث می‌شود. صحبت از حاکمیت جباران، مبارزه با آنها، ایجاد عدالت و رفاه عمومی و آسایش همگانی، از موضوعات



قابل توجهی است که در این قصه‌ها به چشم می‌خورد. قصه‌های طالح و واله، داش دمیر و طلعت در این مقوله قرار دارند.

در این نوع قصه‌ها اغلب شخصیت اصلی داستان را یک فرد عامی مانند کچل، چوپان، خیاط، یتیم و ... تشکیل می‌دهد. این افراد عامی بر اثر هوش و ذکاوت ذاتی خود به احقاق حق پرداخته، گاهی نیز به مناصب و درجات مهم اجتماعی و سیاسی دست پیدا می‌کنند.

#### ۵- قصه‌های کودکان

درست است که از لحاظ ساختار یا موضوع گروه داستانی خاصی را دربارهٔ کودکان نداریم اما باز تعدادی از قصه‌ها و افسانه‌های ترکی یافت می‌شود که صرفاً برای کودکان و آموزه‌های اخلاق و تربیتی آنها ساخته و پرداخته شده است. داستان‌هایی از زبان حیوانات، جمادات و حتی آدمی در این موضوع به وجود آمده‌اند؛ شاخص‌ترین آنها داستان شنگول و منگول است که یکی از قصه‌های محبوب و دوست‌داشتنی بچه‌هاست. در این قصه‌ها بچه‌ها می‌آموزند که باید به حرف پدر و مادر گوش کنند و از دشمنان و حيله‌های آنان پرهیز کنند و به حرف آنان گوش ندهند تا در امان و راحتی به سر برند.

#### ۶- قصه‌های شاهان، وزیران، خان و امیران

طبقات قدرتمند و مرفه جامعه از جمله شاهان و امیران به علت حاکمیت سیاسی بر مردم و در دست داشتن همه ابزار قدرت و ثروت جامعه همیشه مورد توجه گویندگان قصه‌ها بوده‌اند. به‌خصوص از آنجایی که سعادت و شقاوت عمومی مردم نیز منوط به طرز حکومت و کشورداری و عدالت اجتماعی آنان بود، لذا عدالت، مردم‌داری یا شقاوت و ستمگری آنان همیشه بن‌مایه و موضوع اصلی ساختار قصه‌های ترکی به‌شمار آمده است.

در این قسمت از قصه‌های متداول، پرداختن به ستمگری شاهان قابل توجه است:

مبارزه با پادشاهان ظالم و حتی کشتن آنها از آرزوی قلبی و دیرینهٔ طبقات ستم‌دیده، زحمت‌کش و محروم جامعه بود. ولی این امر از امور محال یا حداقل نادر روزگار به‌شمار می‌آید. لذا مردم مظلوم و ستم‌دیدهٔ جامعه، خواسته‌های خود را در قالب قصه و اغلب با دخالت شخصیت‌های داستانی جانوران بیان کرده‌اند. به‌طور مثال در داستان صیاد و قورباغه صیاد



می‌خواهد با دختری زیبارو ازدواج کند، پادشاه مانع می‌شود و خود می‌خواهد با او ازدواج کند، بهانه‌ها و شرط‌های سنگین پیش روی صیاد قرار می‌دهد. صیاد نیز به کمک دختر و دوستان او (آدم کوچولوها) شرط‌ها را محقق و سرانجام پادشاه را کشته و دختر دلخواه خود را تصاحب می‌نماید.

در داستان علی‌یار نان‌دوشان (علی‌یار و خرگوش) خان به خاطر یک خربزه شیرین باغ علی‌یار، دستور قتل او را صادر می‌کند و علی‌یار به کمک خرگوش در بیابان چشم خان را درآورده و او را کور می‌کند، سپس گرگ‌ها او را می‌خورند و مردم نیز از دست خان ظالم نجات پیدا می‌کنند.

آرزوهای حقیقی طبقات محروم و رنج‌دیده جامعه اغلب تحقق نمی‌یابد، بنابراین قصه‌پردازی آسان‌ترین روش تخلیه عقده‌ها و گره‌های امیال و خواسته‌های انسان بوده است. یکی از آرزوها و خواسته‌های طبقات زحمتکش و پایین جامعه تحقق عدالت اجتماعی در ارتباط و یا ازدواج خانوادگی آنها با طبقات مرفه و قدرتمند از جمله پادشاه است. این مسئله در داستان‌های زیادی که در این استان رایج است نشان داده شده است.

در داستان پسر جوان با دختر پادشاه آمده که زن پادشاه دختری به دنیا می‌آورد، همسر چوپان نیز پسری. به شاه می‌گویند در طالع این دو آمده که با هم ازدواج خواهند کرد. به دستور پادشاه پسر چوپان در کوه رها می‌شود. طفل توسط یک مرد شکارچی بزرگ و تبدیل به جوانی نیرومند و زیبارو می‌شود که از قضا دختر پادشاه شیفته او شده و با او ازدواج می‌کند. پادشاه نیز در مقابل کار انجام شده قرار گرفته و مشیت الهی را می‌پذیرد.

داستان گوی گوزکوسا (هادی و بودی) نیز نماد مبارزه طبقات زحمتکش و محروم رعیت با خان ستمگر حاکم است، خانی که در حق رعیت ستمگری کرده و حتی آب را به روی آنها می‌بندد. سرانجام مردم به وسیله حکیمی علیه خان شورش می‌کنند، حکیم دارویی کشف می‌کند که سنگ‌ها را به آب تبدیل می‌کند و مأموران خان آن دارو را پنهان می‌کنند. رفیق زرنگ وی به نام هادی آن را پیدا کرده و در جای خاصی نگهداری می‌کند تا سرانجام به وسیله دوست حکیم به نام



«عالیشان» طلسم‌های پادشاه شکسته می‌شود و همه جا پر آب و سرسبز و آباد می‌شود و آب دارویی حکیم نیز پیدا شده و حکیم زندانی آزاد می‌شود.

گاهی اوقات چوپان، اسرار شاه را برملا می‌کند.

در داستان اسکندر شاخ‌دار آمده که اسکندر بزرگ‌ترین و ثروتمندترین پادشاه زمان خود بود اما ایراد بزرگی داشت و آن اینکه دو تا شاخ روی شانه‌های او قرار داشت و هیچ‌کس از آن باخبر نبود. روزی چوپانی شاخ‌ها را می‌بیند ولی نمی‌تواند این سر را حفظ کند تا اینکه به داخل چاهی رفته این راز را فاش می‌کند. از داخل چاه نیز نيزارهایی می‌رویند. چوپان از آنها نی ساخته و بر آنها می‌دمد. صدایی که از آنها درمی‌آید، می‌گفت: اسکندر ذوالقدر شاخ دارد. بنابراین سر و راز پنهان اسکندر توسط چوپان آشکار می‌شود.

#### ۷- قصه‌های جانوران

داستان‌های زیادی درباره جانوران ساخته و پرداخته شده است. این نوع قصه‌ها به دوران‌های بسیار قدیم زندگی مردم آذربایجان مربوط می‌شود. در این قصه‌ها رابطه انسان‌های اولیه با حیوانات حفظ شده، انسان با حیوانات هم‌زمان و در ایفای نقش‌های مختلف زندگی هم‌نوا می‌شود.

پیشینیان، گروهی از حیوانات را دارای خصلت‌های اعجاز و کرامات دانسته و خواسته‌های ناممکن خود را از طریق اعمال خارق‌العاده آنها تحقق بخشیده‌اند. این نوع باورها از عقیده توت‌پرستی باستانی حکایت می‌کند.

داستان فاطمه زیبا یا گاو فاطمه، نمونه عینی این حقیقت است. در این داستان گاو در نهایت مایه خوشبختی و سعادت فاطمه می‌شود.

#### ۸- قصه‌های تمثیلی جانوران

نوع دیگری از قصه‌های آذربایجانی وجود دارند که در آنها فقط حیوانات نقش دارند و آدمی در آن حضور ندارد. حیوانات همان رفتار و کردار را از خودشان نشان می‌دهند. این نوع قصه‌ها، قصه‌های تمثیلی یا نمادینی از حیوانات هستند. در این نوع قصه‌ها تصویرهای طولانی و اسرارآمیز و پرماجرا دیده نمی‌شود بلکه به نظر می‌رسد اینها برای القاء اندیشه‌های اخلاقی به کودکان بیان

شده‌اند و بعضی دیگر نیز که جنبه عمومی دارد به صورت رمز و نماد بیان شده و در آن اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی گنجانده شده است.

در قصه‌های نمادین ترکی، نام جانورانی مانند گرگ، روباه، خرگوش، بز، اسب، خروس، شغال، شیر و کلاغ به چشم می‌خورد، روباه و گرگ، سپس خرگوش و کلاغ بیش از هر حیوان و پرنده دیگری در قصه‌های نمادین حیوانات نقش دارند. باید توجه داشت که در قصه‌های نمادین حیوانات علاوه بر پیام‌ها و مضامین اخلاقی و اجتماعی و گاهی سیاسی، بعضی اطلاعات مفید نیز درباره نحوه زندگی حیوانات، محل حیات و چگونگی معاشرت و بعضی اطلاعات جانورشناسی به چشم می‌خورد. از خصوصیات بارز این قصه‌ها آشنایی با کار، تلاش و مبارزه برای تداوم زندگی و مبارزه با سختی‌ها و ایجاد دنیایی صمیمی و پر از محبت است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. فلوبر-دلاشو، م.، *زبان رمزی افسانه‌ها*، ترجمه ستاری، انتشارات توس، ۱۳۶۴، ص ۶۵.
۲. تسلیمی، امیرحسین، *درآمدی به ادبیات تمثیلی ایران*، تهران، نشر سرواد، ۱۳۷۸، ص ۲۴.
۳. نوعی آبگوش است.

### منابع

- بابا صفری، اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۱ و ۲، تهران، ۱۳۵۰.
- پورنامداریان، تقی، *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، نشر علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۶۸.
- تسلیمی، امیرحسین، *درآمدی به ادبیات تمثیلی ایران*، تهران، نشر سرواد، ۱۳۷۸.
- رئیس‌نیا، رحیم، *آذربایجان در مسیر تاریخ ایران از آغاز تا اسلام*، تبریز، نشر نیما، ۱۳۴۶.
- رئیس‌نیا، رحیم، *کوراوغلو در افسانه و تاریخ*، تبریز، نشر دنیا، ۱۳۷۷.
- روشن، ح.، *ادبیات شفاهی مردم آذربایجان*، انتشارات دنیا، ۱۳۵۸.
- فلوبر-دلاشو، م.، *زبان رمزی افسانه‌ها*، ترجمه جلال ستاری، نشر قدس، تهران، ۱۳۶۴.
- منصوری، فیروز، *مطالعاتی درباره تاریخ زبان و فرهنگ آذربایجان*، تهران، مؤسسه اطلاعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸.